

## سنگ صبور، مبارز خستگی ناپذیر و مادر قهرمان،

### دیده بر جهان فروبست

«مادر از ایران تا ویتنام مادر است و يك پرویز ندارد»

خبر تکان دهنده بود، اما دور از انتظار نبود. حضورش آن چنان طراوت انگیز و امید بخش بود، که تصور نبودنش، مثل تصور نبودن آفتاب، مثل تصور نبودن آب جاری در رود، غم آور و باور نکردنی است. او جزو عناصر اصلی زندگانی در محیط خفقان زده ایران، چه در رژیم سابق و چه در رژیم کنونی بود. غمخوار و سنگ صبور همه، امید بخش و پیام آور پیروزی عدل

ادامه در صفحه ۶



# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۷۶، دوره هشتم  
سال شانزدهم، ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۸

گرامی باد خاطره تابناک دکتر تقی

ارانی فرزند انقلابی خلق های

در صفحه ۳

ایران

«افراط» و

«اعتدال»، چماق

سرکوب در دست

رفسنجانی

«سرنوشت رفسنجانی، به عنوان مهره بی که از نخستین روزهای انقلاب، یکی از اصلی ترین چهره های رژیم، پس از خمینی، در مهم ترین تصمیم گیری های سیاسی - اقتصادی رژیم نقش حساس و کلیدی را ایفاء کرده است، هنوز ناروشن است. بعید به نظر می رسد که وی، با نقشی که در حیات رژیم بازی کرده است، حاضر باشد به گوشه یی رفته و به کارهای «حوزه ای» بپردازد. بی شک آینده پاسخ روشن تری به این پرسش خواهد داد، و سخنان اخیر خامنه ای پیرامون وظایف مهم و حساسی که رفسنجانی باید همچنان عهده دار باشد، و سخنان خود رفسنجانی در باره ضرورت کمک وی به «ولی فقیه» به عنوان مهم ترین مسئولیت پس از اتمام کار ریاست جمهوری اش، نشانگر توافقی است که به نظر می رسد میان دو جناح حاکم برای حفظ

ادامه در صفحه ۲

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### شکست ارتجاع، «ولی فقیه» و انصارش، تاکتیک

### جنبش مردمی در انتخابات مجلس شورای اسلامی

«...افشای بیش از پیش سیمای واقعی رفسنجانی به عنوان یکی از «استوانه های نظام»، نماینده بورژوازی بوروکراتیک رشد یافته در دستگاه دولتی عمیقاً فاسد رژیم و نماینده کلان سرمایه داری تجاری ایران، که در کنار خامنه ای، «ولی فقیه»، و مرتجعان گردآمده در «جامعه روحانیت مبارز» و «هیئت های مؤتلفه»، مهم ترین نیروهای رژیم ارتجاعی و ضد مردمی «ولایت فقیه» را تشکیل می دهند، از جمله دست آوردهای قابل توجه کارزار سیاسی هفته های اخیر است که بی شک به نفع جنبش مردمی است...»

#### هم میهنان گرامی!

میهن ما در روزهای آینده شاهد برگزاری ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی خواهد بود. در این دوره نیز انتخابات مجلس شورای اسلامی در فضایی غیر دموکراتیک و غیر عادی برگزار می شود. رد صلاحیت صدها تن از نامزدهای نمایندگان مجلس توسط نهادهای گوناگون، از وزارت کشور و شورای مرکزی نظارت تا شورای نگهبان، در کنار ادامه تعرض نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد به حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم، و سلب آزادی احزاب و سازمان های دگراندیش، حقوق خدشه ناپذیر مردم میهن ما پیرامون انتخاب آزاد نمایندگان را زیر پا گذاشته و فضایی پرتنش و غیر عادی را بر روند انتخابات مجلس شورا حاکم کرده است. نیروهای واپس گرا و مدافع حفظ «ولایت مطلقه فقیه»، از ماهها قبل با علم به اینکه شکست سنگینی در انتخابات مجلس در انتظار آنان است، با استفاده از اهرم های گوناگون سیاسی، اقتصادی و امنیتی، تمام تلاش خود را برای از دست ندادن «سنگر مجلس» به کار بردند. محاکمه عبدالله نوری، وزیر سابق کشور، به دلیل ضدیت با ولایت مطلقه فقیه، بستن روزنامه های منتقد، از جمله نشاط و خرداد و تعرض و فشار بر سایر مطبوعات، به راه انداختن کارزار جنگ روانی - تبلیغاتی بر ضد دگراندیشان ملی - مذهبی، بخشی از تاکتیک های این نیروها برای حفظ «خاکریزهایی» بود که از سوی جنبش مردمی مورد تهدید قرار گرفته بودند. حزب توده ایران، از هفته ها پیش، ضمن تأکید بر اهمیت انتخابات به عنوان عرصه مهمی از مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، تأکید کرده بود که، نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن باید با تمام توان، با اتحاد عمل و هماهنگی، برای وارد کردن شکست دیگری بر ارتجاع حاکم تلاش کنند. شرکت فعال گروه های مختلف اجتماعی، از جوانان و دانشجویان گرفته تا زنان و کارگران و زحمتکشان در کارزار انتخاباتی نشان داد که جنبش مردمی

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



## بررسی رویدادهای ایران



### «جنگ روانی - تبلیغاتی»

#### ولی فقیه و انصارش

بر اساس گزارش روزنامه مشارکت، شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۷۸، گزارشی دارد از سندی که پیرامون تاکتیک های مزدوران «ولی فقیه» برای مقابله با جنبش در انتخابات بدست این روزنامه رسیده است. براساس همین گزارش: «هر چند جسته و گریخته خبرهای موثقی از سازماندهی گسترده ولی مخفی این جناح برای تأثیر گذاری بر انتخابات به گوش می رسد اما اینک با دستیابی به متن مکتوب راهکارهای این جناح برای تعیین نتیجه انتخابات جای هیچ شکمی باقی نمی ماند که به دنبال یأس مفرط از امکان برنده شدن در رقابتی سالم و قانونی، تمام امید جناح اقتدارگرا به این است که بتواند با توسل به شیوه های غیر قانونی و رفتار غیر اخلاقی وزیر یا گذاشتن همه ارزش ها و توسل جستن به همه سرمایه های خود آخرین شانس خود را در این صحنه بیازماید...»

بر اساس همین گزارش، روزنامه مشارکت، تاکتیک های جنگ «روانی - تبلیغاتی» این نیروها را به صورت زیر تشریح کرده است: «● شب نامه توزیع کنید و عکس های خصوصی کانیدهای رقیب را بین مردم پخش کنید؛ ● از طریق ستون اخبار ویژه مطبوعات خودی [کیهان، جمهوری اسلامی، رسالت و ...]، دلایل متفاوتی را برای رد صلاحیت افراد طرح کنید؛ ● از فرصت ایام دهه فجر برای تحریک و تهییج مردم بهره برداری کنید؛ ● از پتانسیل احساسی جوانان از طریق سخنرانی های ارزشی استفاده کنید؛ ● از روش های غیر مستقیم تبلیغ در رسانه های گروهی از جمله صدا و سیما بهره بگیرید؛ ● نسبت به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ابراز همدردی عمیق کنید؛ ● از اتهاماتی نظیر انحصار طلب، مستبد و بی اعتنا به افکار عمومی تبری بجوید؛ ● مشکلات عدیده کارگران را برجسته کنید؛ ● از عناوین دکتر، مهندس و ... در تراکت تبلیغاتی خود استفاده کنید؛ ● بسیار محتاطانه برای جنبش های دانشجویی هویت قائل شوید...»

### گرامی باد خاطره تابناک ارانی ...

#### هجوم دوباره ارتجاع - دستگیری ۵۳ نفر

دیکتاتوری رضاخان، هراسیده از جنبش دموکراتیک، کارگری و کمونیستی، در ۱۰ خرداد ۱۳۱۰، به گفته رفیق ارانی «قانون سیاه» ضد کمونیستی را از مجلس دست نشانده خود گذراند. به موجب این «قانون»، هر کس جمعیتی تشکیل دهد یا عضو جمعیتی باشد، با روه «اشتراکی»، به سه تا ده سال حبس مجرد محکوم می شود! در سال ۱۳۱۳ با احیای فعالیت حزب کمونیست ایران و مبارزه خستگی ناپذیر ارانی و همزمانش، جنبش اعتصابی، به ویژه میان جوانان و دانشجویان، گسترش یافت. در سال های ۱۳۱۳-۱۳۱۴، چندین اعتصاب مهم در دانشکده های تهران روی داد که محیط اختناق و ترور رژیم را تکان داد. پلیس رضاخان - مختاری، در سال ۱۳۱۵ عده بسیاری از آزادی خواهان از جمله دانشجویان مبارز و اندکی بعد در سال ۱۳۱۶، رفیق ارانی و یارانش (گروه ۵۳ نفر) را دستگیر و زندانی کرد. به دستور رضاخان، در سال ۱۳۱۷، دادگاهی بر ضد ۵۳ نفر تشکیل شد.

ولی در حقیقت، با مقاومت قهرمانانه ارانی و یاران، این بیدادگاه، به دادگاهی بر ضد خود بدل شد. رفیق ارانی، با وجود شکنجه های طاقت فرسا در سیاهچال زندان، در دفاعیه ۶ ساعته خود، با محکوم کردن رژیم خودکامه پهلوی، با شهادتی اعجاب برانگیز، به دفاع از اندیشه های سوسیالیسم پرداخت: «هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود به اندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تالیف یافته باشد. چطور می توان بدون مطالعه کوچکترین ورق از این کتابخانه ها، داشتن یک عقیده را با یک قانون ارتجاعی قدغن کرد. چطور می توان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شد و در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر می نماید...»

رفیق ارانی، در بیدادگاه فرمایشی، به اشد مجازات - ده سال زندان انفرادی - محکوم شد. در پایان دفاعیه تکان دهنده خود رفیق ارانی گفت: «من از شما تقاضا نمی کنم مرا تبرئه کنید. می دانم تبرئه کردن ارانی با خصوصیات که شهرتانی از او برای شما ذکر کرده است، مشکل است، خیلی هم مشکل است. آقایان قضات من اطمینان دارم که تا ده سال

### ادامه جوانان توده ایران ...

وینتام در بخش دیگری از سخنرانی خود گفت: «بعد از اتمام جنگ، مساله غذا و تغذیه عمومی در مرحله نخست و صدر برنامه های حزب کمونیست قرار گرفت ولی به دلیل بمباران های شیمیایی و کمبود سرمایه گذاری در صنعت کشاورزی، ما با کمبود ها و مشکلات جدی برخورد کردیم تا جایی که بخش اعظم کمک های برادرانه خارجی از سوی کشورهای سوسیالیستی، مخصوصاً اتحاد شوروی، صرف وارد کردن مواد غذایی می گردید. تا این که در سال ۱۹۸۶، با اتخاذ یک رشته برنامه های ضربتی و به کار گرفتن تمام توان مردم کشور، اوضاع کشاورزی را سر و سامان

دیگر نمی مانم. اگر شما احتمال می دهید که ده سال دیگر زنده باشید، پس این نظر را قبول کنید که ده سال عمر، ارزش این همه خیانت را ندارد.» حکومت وحشت و مرگ رضاخان، که حتی در پشت دیوارهای سیاه زندان نیز از او در هراس بود، پس از شکنجه های دهنشانه، در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸ خورشیدی، این قهرمان توده ها را به شهادت رساند.

رفیق ارانی به هنگام مرگ ۳۷ سال بیش نداشت. بی سروصدا به خاکش سپردند تا در گمنامی فراموش شود. اما دژخیمان راه و اندیشه او را هیچ گاه نتوانستند به خاک بسپارند. توده های مردم حق شناس، پس از دو سال در ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی، زمانی که رضاخان این مزدور امپریالیسم ناگزیر به ترک ایران شده بود، آرامگاه این شهید راه آزادی را گلباران کردند، و همزمان او، که از زندان آزاد شدند یا خارج از زندان به مبارزه ادامه داده بودند، حزب پر افتخار توده ایران، حزب طبقه کارگر و زحمتکشان را بنیاد نهادند.

راه حیدر عمو اوغلی ها، ارانی ها، روزه ها، افضلی ها، حجری ها، جوانشیرها، کیوان ها، نیک آیین ها، حیدر مهرگان ها، طبری ها، سیمین فردین ها... راهی است آینده نگر و آینده ساز و نام آنان، نامی است جاویدان.

و ارانی بار سنگین دفاع را تا امروز می کشید و همه کسانی که از حقیقت می ترسند با ارانی دشمنند و این شیخ بزرگ که در گمنامی دفن شد هنوز کسانی را به دشنام و می دارد «آه! چرا این شیخ چنین ترس آور است؟» ای همه کسانی که از آن می ترسید به پرسش کوچکم پاسخ دهید! ولی، ای ساده دل، آنها دوباره می ترسند هم از شیخ او هم از پرسش تو احسان طبری، از شعر: «درست پس از چهل سال»

رفیق ارانی جان خود را بر سر دفاع از آرمان های انسانی گذاشت. او نماینده جنبشی بود که از درون خلق برخاسته بود. یادش زنده و راهش پردوام باد!

دادیم، و امروز ما از لحاظ کشاورزی به خود کفایی کامل رسیده ایم و مقدار زیادی مواد کشاورزی و دامی صادر می کنیم. بعد از سقوط کشورهای سوسیالیستی، نیروهای امپریالیستی در جهان و در منطقه پیش بینی می کردند که ما هم به زودی سقوط خواهیم کرد، ولی ما هنوز پابرجا هستیم و هر ساله قدرت اقتصادی و سیاسی کشور را افزایش می دهیم! سال گذشته وینتام ۵ میلیون تن برنج صادر کرد. در خاتمه صحبت های دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست وینتام، حاضران با شعارهای همبستگی با حزب کمونیست و مردم وینتام ابراز احساسات کردند.





اول بهمن ماه سال ۱۳۱۲ خورشیدی  
انتشار داد.

### نقش عظیم سیاسی - فرهنگی مجله «دنیا»

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی بنا به تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مهاجرت، برای بازسازی فعالیت سازمانی و ایدئولوژیکی حزب، یک هیات سه نفره شامل رفقا ارانی، سیامک و کامبخش، تشکیل شد، و مسئولیت کار در میان روشنفکران و دانشجویان به رفیق ارانی سپرده شد. با رهنمود همین مرکز رهبری، مجله «دنیا» از شماره ۶ به بعد به عنوان ارگان رسمی حزب به فعالیت سازمانیش گسترش داد.

مجله «دنیا» در جنبش کارگری و کمونیستی ایران - پس از تعطیلی ده ساله ارگان های مطبوعاتی حزب و اتحادیه های کارگری - تاثیر و اهمیتی ویژه یافت. نخستین باری بود که مجله یی برای ترویج جهان بینی علمی - انقلابی در تهران منتشر می شد. در این مجله، آثار گرانبهایی از رفیق ارانی، مانند: «ماتریالیسم دیالکتیک»، «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظر مادی»، «جبر و اختیار»، زندگی و روح هم مادی است» و ... به چاپ رسید.

مجله «دنیا» توانست در محیط اختناق آمیز آن زمان ایران، در دوران کوتاه زندگی اش، از بهمن ۱۳۱۲ تا نیمه ۱۳۱۴ به کانون سازمانی نیروهای مترقی و انقلابی کشور مبدل شود. «دنیا» بیش از ۱۲ شماره فرصت انتشار نیافت و در نیمه سال ۱۳۱۴ به دستور حکومت استبداد، تعطیل شد.

ادامه در صفحه ۲

جلوگیری از فعالیت حزب کمونیست ایران را هدف خود قرار داد. حزب، با تشکیل کنگره دوم، «کنگره ارومیه» (۱۳۰۶)، به فعالیت های سازمانی و تبلیغاتی در داخل کشور و در مهاجرت جان تازه ای بخشید. مجله «ستاره سرخ»، ارگان تئوریک کمیته مرکزی، و سپس روزنامه های «پیکار» و «نهضت» را در خارج انتشار داد. گسترش فعالیت سازمانی، تبلیغاتی و ایدئولوژیکی، پس از کنگره حزب و اوج گیری، جنبش کارگری، تشکیل اتحادیه محصلین، به ویژه با شرکت شاگردان مدرسه دارالفنون و مدرسه طب، اعتصاب دو هفته ای محصلین مدرسه دارالفنون (۱۳۰۶) و اعتصاب عظیم کارگران نفت (۱۳۰۷)، دیکتاتوری رضاخانی را به هراس افکند.

هنگامی که رفیق ارانی به ایران بازگشت (۱۳۰۹)، بسیاری از فعالان حزب و اتحادیه های کارگری یا به قتل رسیده بودند و یا در زندان بودند. دیگر آزادی خواهان مترقی نیز تحت فشار حکومت قرار گرفته بودند. رفیق ارانی، پیش از بازگشت، با رهبری حزب کمونیست ایران تماس گرفته و قرار کار در ایران را گذاشته بود. برنامه این بود که با استفاده از کلیه امکانات علنی، و شیوه های کار مخفی، به نشر افکار و عقاید مارکسیستی و احیاء سازمان های حزبی بپردازد.

پس از بازگشت، هم زمان با فعالیت سیاسی - تشکیلاتی، به تدریس فیزیک و شیمی در دبیرستان های تهران پرداخت و آثار علمی گرانبهایی را که شامل بخش هایی از «سلسله علوم دقیقه» بودند، به چاپ رساند. «سلسله علوم دقیقه»، مسائل عمده ای را در باره علوم فیزیک، شیمی، زیست شناسی، روانشناسی و اجتماعی از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک، مورد بررسی قرار می داد.

این کتاب ها در دبیرستان ها ی ایران تدریس می شد. ارانی نخستین شماره مجله «دنیا» را در

## به مناسبت شصتمین سالروز شهادت دکتر ارانی

گراهمی باد خاطره قاپناك دكتور تقی  
ارانی فرزند انقلابی خلقی های ایران  
شهادت به خاطر عشق به مردم،  
عشق به آزادی، عشق به دانش

ارانی گفت: در شطی که آن جنبنده تاریخ است  
مشوزان قطره ها، کاندرد لجن ها، برکران ماند  
بشوزامواج جوشانی که دائم در میان ماندند  
(احسان طبری)

۱۴ بهمن ماه امسال، مصادف است با شصتمین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، آموزگار برجسته کارگران و زحمتکشان ایران، در سیاهچال زندان رضا خان، و روز شهادی حزب توده ایران.

دکتر ارانی به سال ۱۲۸۱ خورشیدی در تبریز زاده شد. دوران کودکی تا جوانی او، دوران آشوب و انقلاب بود: انقلاب مشروطیت، جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی در گیلان، آذربایجان و خراسان (۱۲۹۶-۱۳۰۰) و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر.

رفیق ارانی در ۱۸ سالگی، هنگامی که در دبیرستان تحصیل می کرد، در تظاهرات بر ضد قرارداد ننگین و ثوق الدوله - انگلیس شرکت جست. در همین دوران (۱۲۹۹)، همزمان با بحبوحه انقلاب گیلان، حزب کمونیست ایران تاسیس خود را در کنگره انزلی اعلام کرد. مبارزه انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان گسترش یافت. برای نخستین بار اتحادیه های تهران و شهرستان ها تشکیل شد، و نشریات حزب کمونیست ایران و اتحادیه های کارگری مانند «حقیقت»، «جرقه»، «خلق» و «اقتصاد ایران» منتشر شد.

### سفر به خارج و فعالیت سیاسی

رفیق ارانی، پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان و دانشکده طب، در سال ۱۳۰۲ خورشیدی، برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و وارد دانشکده فلسفه «دانشگاه برلین» شد. همزمان با تحصیل، در چاپخانه مجله «کاوه»، که دموکرات های مهاجر آن را اداره می کردند، به عنوان مصصح، مشغول به کار شد و به عضویت «جمعیت مبارزه علیه دیکتاتوری» رضاخان، که ایرانیان مترقی، به ویژه جوانان در مهاجرت تشکیل داده بودند، درآمد. به جنبش کارگری گرایش پیدا کرد، به فراگرفتن مارکسیسم - لنینیسم پرداخت، و سرانجام به حزب کمونیست ایران پیوست. ارانی پس از دریافت دکترای خود در رشته «فیزیکو - شیمی» به سمت استاد در دانشکده خاور شناسی دانشگاه برلین به تدریس پرداخت و آثار تحقیقی با ارزشی در زمینه فرهنگ و ادب ایران به چاپ رساند: «بدایع سعدی»، «المسافرن و وجه دین ناصر خسرو»، مقدمه ای به فارسی بر «شرح رساله اقلیدس»، نوشته خیام نیشابوری به زبان عربی، «رباعیات خیام» ... رفیق ارانی تا پیش از بازگشت به ایران با نشریات حزب کمونیست ایران مانند «پیکار» و «نهضت» همکاری بسیار نزدیک داشت.

### بازگشت به میهن - دوران خفقان

رضا خان، که در سال ۱۳۰۴ خورشیدی با حمایت امپریالیسم انگلیس به سلطنت رسیده بود، پیش از هر چیز سرکوب جنبش کارگری و

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



## «افراط» و «اعتدال»، چماق سرکوب ...

رفسنجانی به عنوان یکی از کلیدی ترین مهره های رژیم صورت گرفته است» (نقل از گزارش هیئت اجرایی به ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران. نامه مردم، شماره ۵۰۲، ۶ فروردین ۱۳۷۶).

با قطعیت یافتن شرکت هاشمی رفسنجانی در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، مجموعه نظرات مخالف و موافق پیرامون شرکت یکی از پایه گذاران اصلی استبداد در میهن مان ایران، هر روز دامنه وسیع تری به خود می گیرد. طیف موافقان رفسنجانی، متشکل از طرفداران سرسخت ذوب در ولایت، همچون جمعیت موتلفه، گردانندگان روزنامه های منفور کیهان و جمهوری اسلامی، روحانیون و ائمه گرا در شورای نگهبان رژیم ولایت فقیه و جامعه روحانیت مبارز، به همراه تلاش مذبوحانه از سوی افراد خانواده اش، همچون فائزه و محمد هاشمی از یک طرف، و طیف مخالفان متشکل از نیروهای موسوم به جبهه دوم خرداد، رویارویی گسترده ای را که بیشتر در روزنامه های مجاز در جمهوری اسلامی انعکاس می یابد موجب گردیده است. در همین راستا، هاشمی رفسنجانی، با استفاده از امکانات فراهم شده برای او، همچون رادیو و تلویزیون، روزنامه ها و تریبون نماز جمعه، قصد خود را برای ایجاد یک نقش اوتجایی دیگر به نفع تثبیت رژیم ولایت فقیه آشکار ساخته است. به همین هدف چندین مصاحبه مختلف با خبرنگاران داخلی و خارجی، و همچنین روزنامه های تحت نفوذش، انجام داده است که در آن به خوبی می توان پی به مقاصد ضد مردمی اش برد.

اخیرا هاشمی رفسنجانی مصاحبه یی با روزنامه همشهری انجام داده که در بسیاری روزنامه های دیگر بازتاب داشت. رفسنجانی در این مصاحبه به پرسش های گردانندگان روزنامه همشهری در موارد مختلف، اعم از اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پاسخ داده است، که خود نیازمند بررسی است. رفسنجانی در این مصاحبه بنا بر خصلت ریاکارانه اش سعی دارد با دروغ گویی و تحریف مسائل به نفع خود، تمامی دستاوردهای جنبش مردمی را به خود منتسب کرده، و از طرف دیگر خود را از اقدامات جنایت کارانه مبرا سازد. او از یک طرف نقش خود در به فلاکت کشاندن مردم زحمتکش و ویرانی اقتصادی حاصل اجرای برنامه تعدیل را فقرزدایی و سازندگی قلمداد می کند، و از طرف دیگر رشد و گسترش جنبش مردمی را که در آن توسعه سیاسی نقش ویژه ای را دارد، افراطی گری می داند و تمام هم و غم خود را مصروف می دارد تا مبادا پایه های رژیم در حال پوسیدن بیش از آنی که هست لرزان شود. رفسنجانی در این مصاحبه، با پاسخ های دوبله به مهم ترین مسائل سیاسی جاری روز کشور، بیشترین تمرکز را بر برنامه های اقتصادی که توسط او اجرا و پیاده شده است، گذاشته است، تا از این طریق برای خود کسب وجهه یی کند. برغم کوشش مذبوحانه او در این عرصه، اتفاقا سیاست های اقتصادی، موردی است که بیشترین مخالفت ها را در بین مردم ایران، به واسطه نتایج فلاکت بار آن، در پی داشته است.

همان طور که در بالا اشاره شد، رفسنجانی با کلی گویی و ارائه یک چهره آزاد اندیش از خود، می خواهد این تصور را در خواننده به وجود آورد که، او در واقع به تنهایی به وجود آورنده تحولات بعد از دوم خرداد بوده است، و پیروی از سیاست های او می تواند تضمین کننده ادامه این روند باشد.

در قسمتی از مصاحبه، ضمن انتساب بحث عدالت اجتماعی به خود، و تشریح موقعیت کنونی، و اینکه مطالبات اجتماعی بخصوص در بین نسل جوان بالاتر رفته است، و اعلام کاندیداتوری او این نگرانی را در میان قشرهای جامعه به وجود آورده که برای نجات جناح راست این اقدام صورت گرفته، سوال می شود: «شما که خودتان آغازگر اندیشه های اصلاح طلبانه بودید شما که خودتان آموزش دهنده اصلاح گری و نوگرایی در ایران بودید چرا ما به وضعیتی دچار شده ایم که بین قول و عملی که در جامعه مطرح است دوگانگی وجود دارد؟» رفسنجانی جواب می دهد: «شناختی که از من هست این است که نوعا با حرکت های افراطی مخالفم، و از اول هم همینطور بوده است. افراطها در هر نقطه ای از زمان یک جور بروز می کند. گاهی در جناح چپ گاهی در جناح راست.» کسانی که از رفسنجانی شناخت کافی دارند به خوبی آگاه اند که، شخصی مثل او اقتدر هوشیار است که بدانند تحولات مهمی که

در میهن ما جریان دارد نه افراطی گری های جناح های حکومتی، بلکه مبارزه یی است بر ضد سیستمی که طی بیست سال به تحقیر و سرکوب توده هایی پرداخته است که در یک انقلاب شکوهمند خواستار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی بوده اند و در بطن آن مردم زحمتکش میهن مان قرار دارند. منتها او سعی دارد با مانورهای حساب شده، که انحراف افکار عمومی یکی از آنها است بخت خود را برای فریب توده ها یک بار دیگر بیازماید. اما جنبش مردمی در این راه، با کوله باری از تجربه یی به ماهیت این فریب کاری ها برده است. به همین علت، در تمامی طول صحبت خود، با جواب های مبهم به مسائل مختلف راه فرار از انتقاد و ارائه تفسیر دلخواه، متناسب با نیاز روز را باز گذاشته است. نمونه آن همین افراطی گری است که از آن سخن می گوید.

در فلسفه سیاسی رفسنجانی افراط یعنی گسترش و رشد مطبوعات آزادی خواه، افشای جنایات رژیم و دستگاه های زیر نفوذ آن، انتقاد به سیستم ولایت فقیه به عنوان اصلی ترین سد در راه آزادی های مدنی، انتقاد نسبت به نیروهای سرکوبگر تحت کنترل رژیم ولایت فقیه، همچون وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی، و موارد دیگر که ارتباط مستقیم با منافع کلی «نظام» دارد. بی دلیل نیست که وقتی سخن از مبارزات دانشجویی به میان می آید، می گوید: «همین حالا هم می گویم نقش افرادی که تجربه بیشتر دارند این نیست که به شعارهای افراطی و تند تمکین کنند، همراه قافله بشوند که رای بیشتری بیاورند. این خطرناک است وقتی که بعضی شعارها را مثلا عده ای از جوانان دانشجو خوش نیت، دلسوز، علاقمند خواسته هایی را مطرح می کنند، دانشجویی که در دانشگاه درس می خواند، خوابگاه دارد، شهریه دارد، از تسهیلات دولتی هم استفاده می کند با این آسایش خاطر طبعاً یک روحیه ای دارد. اما قشر انبوه جوانی که نه کار دارند، نه سرمایه دارند، نه دسترسی به ازدواج دارند نه امکان تحصیل دارند، اینها یک چیز دیگر می خواهند. ما وقتی برنامه می ریزیم، باید همه مصالح کشور را در نظر بگیریم.»

رفسنجانی، آشکارا با طفره رفتن از حادثه حمله به کوی دانشگاه توسط نیروهای انتظامی، که عکس العمل قهرمانانه دانشجویان را در پی داشت، لبه تیز حمله را متوجه دانشجویان و حامیان آنها می کند و با دروغ پردازی نسبت به امکانات رفاهی دانشجویان، می خواهد این طور وانمود سازد که، تظاهرات دانشجویی در آن مقطع احساسی بوده و در جهت مصالح عمومی کشور بوده است. این برای اولین بار نیست که رفسنجانی دشمنی آشکار خود را با جنبش مردمی، بخصوص بخش بسیار مهم دانشجویی ابراز می دارد. رفسنجانی بعد از حادثه ۱۸ تیرماه کوی دانشگاه که در آن تعداد زیادی از دانشجویان مورد ضرب و شتم گزرمه های رژیم قرار گرفته و صدها نفر از آنان به شکنجه گاه های رژیم روانه شدند بر خلاف ادعاهای دموکرات منشانه به جای دفاع از دانشجویان تمامی تاسف اش از این بود که حرمت و قداست «مقام معظم رهبری» در این حادثه شکست. وقتی مصاحبه کننده در مورد جنبش دانشجویی ۱۸ تیر، با تنزل دادن این خیزش دانشجویی در سطح مطالبات جنسی و شکمی آن را ناشی از عدم تناسب بین خواست های دانشجویی ارزیابی می کند و ضمن مقایسه تحولات با جامعه چین گستاخانه در مورد ارزیابی اش در این مورد اظهار می دارد: «فرقی که جامعه چین الان با ایران دارد این است که اگر ما حوزه عملیات یک جوان را ۱۰۰ واحد فرض کنیم در چین ۹۹ واحد آن آزاد است یک واحدش را بستند آن ۹۹ واحد این است که جوان با هر دختری و پسری که خواست راه می رود هر لباسی که می خواهد می پوشد هر آهنگی که بخواهد گوش می کند. ولی در یک مورد یعنی سیاست نمی گذارند جوان تکان بخورد. یعنی آزادی می خواهد. الان جامعه ما به نظر می رسد حالت برعکس این را دارد. یعنی ما در ۹۹ حوزه دیگر در پوش گذاشتیم روی امکانات اطفای غرایز جوانان و آن یک حوزه سیاسی را فقط باز گذاشتیم که طبیعتا به انفجار می انجامد. آیا ما نباید فکری برای این طبقه جوان با این ۹۹ حوزه ای که درش را بستیم بکنیم؟» در جواب رفسنجانی ضمن تایید حرف های مضمض کننده مصاحبه گر می گوید: «بله معلوم است الان ما محدودیت هایی در نظاممان داریم که در جاهایی مثل چین نیست، نظام ما نمی تواند آن آزادی هایی را که شما می گوید در چین برای مسائل اخلاقی می دهند، بدهند. بی بند و باری که آنجا هست اینجا نمی تواند باشد. به هر حال نظام اسلامی است.»

از این گستاخانه تر نمی توان در مورد خیزش دانشجویی صحبت کرد. آیا دفاع دانشجویان از روزنامه سلام بی بند و باری جنسی است؟ آیا شعار برضد «عمود خیمه نظام» یعنی ولی فقیه برای غرایز جنسی است؟ اگر چنین است،



## «افراط» و «اعتدال»، چماق سرکوب ...

پس دلیل دستگیری نزدیک به دوهزار نفر دانشجو و فعال سیاسی، که به ادعای خود مسئولان درجه اول رژیم، «توطئه براندازی» بوده اند را چگونه می توان توجیه کرد؟ در کجای دنیا، نظام های حکومتی به دلیل مسائل جنسی جوانان، سرنگون شده اند؟ در حالی که سردمداران درجه اول رژیم، و از جمله خود علی خامنه ای به عنوان ولی فقیه رژیم، پس از سرکوب، دانشجویان را، به دلیل هراس از این قشر پیشرو که نقش تعیین کننده را در تحولات سیاسی ایران ایفا می کند، به آرامش دعوت کرد، و سپس با انجام نمایشات گوناگون در صدد دلجویی از آنها برآمد، رفسنجانی با توهین آشکار، این خیزش را که پاسخی به سرکوب گری های رژیم بود، تظاهراتی می داند که بیشتر به دلیل مسائل جنسی جوانان و دانشجویان بر پا شده بود. رفسنجانی، در جایی دیگر، زیرکانه با تنزل دادن سطح مطالبات مردم، در طول یکی دو سال گذشته به موارد کم اهمیت همچون ماهواره، نوع لباس پوشیدن، موی سر و جز اینها، سعی دارد این نظر را القا کند که سخت گیری های جناح راست در این گونه موارد جزئی، که افراطی گری می نامدش، باعث تحولات اخیر در میهن گردیده است. وی می گوید: «من عمده پیروزی و موفقیت آقای خاتمی را در دوم خرداد معلول افراط جناح راست می دانستم که آن جناح در تحمیل نظراتش به عنوان نظرات دینی بر مردم روا می داشت. همین که لباس مردم، شکل موی سر مردم، نشستن روی صندلی مدرسه یا دانشگاه یا اینکه مردم چه چیزهایی استفاده بکنند یا نکنند، به ماهواره گوش کنند یا نکنند که اینها هیچکدام زمینه شرعی محکمی ندارد اگر در یک مقطعی یک جریانی عقب افتاد بخاطر همین تندروی هایی بود که در مسائل مختلف کشور اعمال کردند و بدیهی است که جامعه تحمل نمی کند.» سپس در جواب سوالی دیگر می گوید: «من فکر می کنم از ماهواره جلوگیری نمی توانیم بکنیم بالاخره در ماهواره یک چیزهایی هست که برای جوانهای ما خوب نیست اما دیگر جلوگیری نمی توانیم بگیریم.» به این ترتیب، رفسنجانی باز هم تلاش می کند، با تنزل دادن سطح مطالبات مردم در عرصه پیکار با رژیم ولایت فقیه، با اشاره بر مشکلات درجه چندم مردم، از قبیل ماهواره و طرز لباس پوشیدن، مخالفت خود را با این سخت گیری ها، آنها را درگیر و دار ملاحظاتی انتخاباتی اعلام کند، اما وقتی از او در مورد مطالبات پراهمیت و گسترده مردم، همچون مطبوعات، دادگاه تفتیش عقاید روحانیون دگر اندیش سوال می شود، این بار چماق اعتدال را در دست می گیرد، و در جواب این سوال که، بستن مطبوعات، طرح اصلاحیه قانون مطبوعات و نظایر اینها هم معمولاً با شعار مقابله با افراط مطرح می شوند را چگونه ارزیابی می کند، می گوید: «شما چرا در همشهری خودتان خارج از قلمروهای اعتدال عمل نمی کنید؟ بالاخره با یک ملاحظاتی آدم هدفش را آرام، متین و مستدل پیش ببرد. چرا روزنامه شما را نمی بندد؟ اعتدال پایه سلامت و بقاء و استحکام حرکت می باشد.»

رفسنجانی، در حالی که در همین مصاحبه خود را طرفدار سرسخت آزادی مطبوعات جا می زند، اما حمله به مطبوعات و بستن آنها به بهانه های واهی را نه ناشی از دشمنی نیروهای مدافع ذوب در ولایت (که خود از جمله آنهاست)، با گسترش فضای آزاد در جامعه، بلکه ناشی از روحیه افراطی گری نیروهای آزادی خواه می داند، و به همین دلیل ادامه کار روزنامه همشهری را توجیه می کند. رفسنجانی در مصاحبه خود با روزنامه همشهری، زیر لوای اصلاحات و طرفداری از آزادی، تمامی حرکت های مردمی را آماج حمله قرار می دهد. رفسنجانی، دادگاه ویژه روحانیت را، که هر

روز مورد مخالفت گسترده قشرهای مختلف مردم و حتی نیروهای درون حکومتی قرار می گیرد، مورد حمایت قرار می دهد و در این مورد می گوید: «اگر کسانی مصلحت نمی دانند که دادگاه ویژه باشد، راهش این است، که عقلای قوم بنشینند بگویند خوب این دادگاه را به این شکل اداره کنید. الان هم بحث است. یعنی وقتی تبدیل می شود به یک جریان سیاسی و صف کشی و کف زدن، از نتیجه دور می شویم و به نتیجه مطلوب نمی رسیم.» در دنباله، در جواب سوالی در مورد عبدالله نوری واصل وجودی دادگاه ویژه روحانیت، با ظفره رفتن از جواب، که خود تایید عملکرد این دادگاه قرون وسطایی است، می گوید: «اگر یک وقتی به آقای نوری دسترسی پیدا کردید می توانید بپرسید من دو سه روز قبل از دادگاه به ایشان چه گفتم، اگر به آنچه من تدبیر کردم عمل می شد این اتفاق ها نمی افتاد.»

مسئله مخالفت گسترده با دادگاه ویژه روحانیت تنها منحصر به عبدالله نوری نمی شود. قبل از آن هم دیگر روحانیون را در این دادگاه به محاکمه کشیدند و بعد به زندان انداختند. علت تمامی این محاکمات و زندانی شدن ها هم به واسطه تفکراتی بوده که در آن اصل وجودی رژیم، یعنی ولایت فقیه زیر علامت سوال برده شده است. با توجه به حمایت بی چون و چرای او از ولایت مطلقه فقیه، به خوبی می توان حدس زد که چه تدبیرهایی برای جلوگیری از زندانی شدن نوری اندیشیده بود، و این تدابیر چیزی جز سرخم کردن به اوامر ولی فقیه نبوده است.

رفسنجانی، در مورد آیت الله منتظری، از یک طرف سعی می کند از اعتبار او برای خود وجهه بی بسازد و از طرف دیگر نقش بی چون و چرای خود را در برکناری او نهان می دارد. رفسنجانی می گوید: «برای اولین بار که در جلسه سران قوا خدمت امام شنیدیم که امام نظر دارند آقای منتظری از قائم مقامی رهبری کنار گذاشته شوند، همه ما عزا گرفتیم.» بعد مزورانه ادامه می دهد: «ما از زمان طلبگی شاگرد آقای منتظری بودیم. اخیراً دیدیم برخی حرف هایی را که می گویند هاشمی رفسنجانی آقای منتظری را جانشین رهبری کرد، راست می گویند، من و سایر دوستان این کار را کردیم. در قانون اساسی گفته شده بود که رهبر باید مرجع هم باشد و آن روزها به آقای منتظری آیت الله العظمی نمی گفتند. من خودم در نماز جمعه اولین بار، عنوان آیت الله العظمی را برای ایشان بکار بردم که این سدا را بشکنم. دلمان می خواست ایشان بمانند، خیلی هم تلاش کردیم آیت الله منتظری را هم آرام کنیم تا بر خلاف میل امام حرف نزنند که نشد و مع الاسف کار به اینجا رسید. الان هم بنده نه در شورای امنیت هستم و نه در جای دیگر و مجمع تشخیص مصلحت هم در این زمینه نمی تواند کاری انجام دهد.»

رفسنجانی آگاه از علت برکناری آیت الله منتظری، که همان مخالفت با کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بود، که او ناآرامی آیت الله منتظری می نامدش، تلاش دارد، دخالت آشکار و روشن خود را در این قضیه وارونه جلوه بدهد.

انکار نقش رفسنجانی در جنایات وزارت اطلاعات را کمتر کسی است که بتواند باور کند. بررغم اینکه او در این مصاحبه در موارد مشخص سرکوب ها و ترورها اظهار بی اطلاعی می کند، و در مورد سعید امامی و باند او ادعا می کند که جلوی خلاف کاری های او در زمان ریاست جمهوری اش گرفته شد، اما در پایان با توجه به افشاگری های گسترده در مورد قتل های زنجیره ای و نقش وزارت اطلاعات و سعید امامی ها در این جنایات، که باعث هراس او گردیده با لحن تهدید آمیز خطاب به کسانی که در این رابطه افشاگری هایی را انجام داده اند می گوید: «ما خیلی چیزها را نمی گوییم. من اگر چیزهایی را بگویم خیلی مسیر عوض می شود. آخر شفافیت حد دارد، اگر مسایل شفاف شود خیلی ها باید سکوت کنند. سینه من صندوق اسرار نظام، مردم، باندها و گروه هاست. وزارت اطلاعات در دوره من خیلی تصفیه شد. از خیلی چیزها پاک شد، به مسئولان گذشته و امروز اعتراض کردن برای من مناسب نیست.» در واقع باید گفت که در اینجا رفسنجانی خود به افشاگری خود پرداخته است. او در حالی که در این مصاحبه سعی می کند از موارد آشکاری که منجر به جنایات بی شماری گردیده اظهار بی اطلاعی کند، اما خود اذعان می کند که سینه او صندوق اسرار نظام است. ما در این مورد با او کاملاً موافق هستیم، چون او از بدو تاسیس جمهوری اسلامی تاکنون یکی از مهره های اصلی رژیم و از پایه گذاران اصلی استبداد در میهن مان بوده است. و به همین دلیل ما کاملاً اطمینان داریم که به واسطه همین نقش، رفسنجانی نمی تواند از جریانات مهم و سرنوشت سازی که در میهن اتفاق افتاده بدون اطلاع بوده و نقشی در آنها نداشته است. اگر غیر از این بود، پس بنا بر این نمی باید صندوق اسرار نظام باشد. رفسنجانی در این مصاحبه با اشاره به برنامه های اقتصادی خانمان برانداز و طرح های هرگز اجرا نشده و یا به پایان نرسیده، مذبحخانه در صدد بزک کردن کارنامه سیاه بیست ساله خود می باشد. رشد و گسترش جنبش مردمی در آینده چهره واقعی او را بیشتر نمایان می سازد. رفسنجانی تلاش می کند با تحمیل خود به نیروهای درون حکومتی مخالف به نقش ارتجاعی خود در تحولات آینده میهن ادامه دهد. او گرچه عدم تحمل خودش را در بین نیروهای خودی بر نمی تابد و با آن مخالفت می کند، اما میزان تفرغ مردم از او چنان بالا است که حمایت از او در چنین مقطع حساسی، حتی برای نیروهای مخالف اصلاحات هم مشکل است.



## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هوشیار و آماده، در صحنه پیکار حضور دارد و مصمم است بررغم همه محدودیت های ایجاد شده، همچون انتخابات دوم خرداد، و پس از آن انتخابات شوراهای شهر و روستا، نیروهای واپس گرا و ضد مردمی را بار دیگر به عقب رانده و با شکست روبه رو کند. اعزام رفسنجانی، به عنوان اسب تروا و نیروی ذخیره ارتجاع، به صحنه انتخاباتی، برای ایجاد تفرقه، تشتت و سردرگمی، با وجود برخی اثرات معین، از جمله افزایش فاصله کارگزاران سازندگی، از جبهه ائتلاف دوم خرداد، نتوانست خللی در اراده مردم و نیروهای مردمی برای افشای نیروها و افرادی همچون رفسنجانی، که نقش اساسی در حاکم کردن رژیم استبدادی بر عهده دارند، وارد آورد. افشای بیش از پیش سیمای واقعی رفسنجانی به عنوان یکی از «استوانه های نظام»، نماینده بورژوازی بوروکراتیک رشد یافته در دستگاه دولتی عمیقاً فاسد رژیم و نماینده کلان سرمایه داری تجاری ایران، که در کنار خامنه ای، «ولی فقیه»، و مرتجعان گرد آمده در «جامعه روحانیت مبارز» و «هیئت های مؤتلفه»، مهم ترین نیروهای رژیم ارتجاعی و ضد مردمی «ولایت فقیه» را تشکیل می دهند، از جمله دست آوردهای قابل توجه کارزار سیاسی هفته های اخیر است که بی شک به نفع جنبش مردمی است.

در هفته های اخیر، ریزنی ها و تلاش های گوناگونی برای تهیه و تنظیم فهرست های انتخاباتی گوناگون در گوشه و کنار کشور و بین نیروهای مختلف ائتلاف دوم خرداد صورت گرفته است که منجر به انتشار چندین فهرست متفاوت انتخاباتی در تهران و شهرهای گوناگون شده است. توجه به این فهرست های انتخاباتی، بیش از هر چیز نشانگر طیف ناهمگون نیروهای تشکیل دهنده ائتلاف جبهه دوم خرداد است، و این ناهمگونی، در کنار حذف شمار زیادی از نامزدهای مستقل و مردمی در تهران و شهرستان ها، انتخاب و یا پیشنهاد هر کدام از فهرست ها را بسیار دشوار می کند. حزب توده ایران بر این اعتقاد است که، جنبش مردمی می تواند با رأی دادن به نامزدهای مستقل، و نامزدهای مذهبی - ملی که به ضدیت با «ولایت فقیه» متهم شده اند، همچون انتخابات شوراهای شهر و روستا، با هدف شکست دادن نامزدهای ائتلاف ارتجاع شامل «هیئت های مؤتلفه»، «جامعه روحانیت مبارز» و «کارگزاران سازندگی» به آماج خود در زمینه وارد کردن ضربه دیگری به رژیم استبدادی «ولایت فقیه» دست یابد.

نکته دیگری که توجه به آن از هم اکنون لازم است این حقیقت روشن است که شکست ارتجاع در کارزار انتخاباتی مجلس ششم پایان کار نیست. تصور اینکه با خارج کردن کنترل مجلس از دست نیروهای مدافع «ذوب در ولایت» جنبش می تواند به خواست های خود مبنی بر استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی دست یابد، بسیار خوشباورانه و ساده انگاشتن مسایل بغرنج و پیچیده کنونی میهن ماست. نیروهای ارتجاعی، در مجموع، هنوز از توان و امکانات وسیعی برای سد کردن روند اصلاحات برخوردارند. وجود شورای نگهبان، دژ استبداد، وجود مجمع تشخیص مصلحت نظام، وجود شخص «ولی فقیه» به عنوان کسی که می تواند تمامی تصمیم های یک نهاد قانونی را نقض کند و خود فرا قانون است، در کنار نظارت کامل بر نیروهای انتظامی و سرکوبگر توسط ارتجاع، نشانگر آن است که جنبش آزادی خواهانه مردم میهن ما تنها در آغاز راه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» قرار دارد و نمی تواند انتظار داشته باشد که با شکست دادن واپس گرایان در جریان انتخابات مجلس ششم به خواست های خود دست یابد. مبارزه جنبش در جریان انتخابات مجلس ششم، همچنین نشان داد که، جنبش هنوز در زمینه اتحاد عمل، برنامه مشخص برای دست یابی به خواست آزادی و جامعه مدنی و یک رهبری منسجم و سازش ناپذیر در مقابل تهدیدات و تمهیدات ارتجاع دارای ضعف هایی جدی است. تزلزل، ناپیگیری، مماشات، و در تحلیل آخر، برتر شمردن مصالح «حفظ نظام»، یعنی حفظ حق «ویژه روحانیت» برای ادامه حاکمیت سیاسی، از جمله خطرات جدی، است که همچنان جنبش مردمی میهن ما را تهدید می کند. تلاش در راه ارتقاء سازمان دهی جنبش، تدقیق و رادیکالیزه کردن شعارهای جنبش، تنظیم و تدوین برنامه بی مردمی و نه اتکاء به یک فرد خاص، از جمله وظایف مهمی است که همچنان در مقابل جنبش مردمی قرار دارد، و در فردای انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز قرار خواهد داشت.

## مردم مبارز و آزاده ایران!

انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، عرصه مهم دیگری در مقابله با رژیم ارتجاعی حاکم است. شما در سه سال گذشته، در سه آزمون مهم تاریخی، نخست در انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، با رأی بیست میلیون خود نامزد رسمی رژیم «ولایت فقیه» و رئیس کنونی مجلس ضد مردمی شورای اسلامی را با شکست مفتضحانه ای روبه رو کردید، و سپس در جریان انتخابات مجلس خبرگان با تحریم گسترده خود انزجار و تنفر خود را از ادامه حاکمیت واپس گرایان اعلام کردید، و پس از آن در جریان انتخابات شوراهای انتخاب هزاران نامزد مستقل و رد صلاحیت شده، به دلیل ضدیت با رژیم «ولایت فقیه»، نشان دادید که از چه درایت بالا و دقیقی برخوردارید. این بار نیز بی شک جنبش مردمی خواهد توانست با همین هوشیاری و درایت ارتجاع حاکم را با شکست تازه ای روبه رو کند. حزب توده ایران و همه توده ای ها در هر کجای ایران که هستند، در کنار شما در این مبارزه شرکت فعال خواهند داشت.

با هم در جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای طرد رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه»، برای استقرار آزادی و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۸ بهمن ماه ۱۳۷۸

## ادامه سنگ صبور ...

آینده بر ستم گذشته. او تنها مادر شهید پرویز حکمت جو نبود. در نامه بی نوشته بود که پرویز حکمت جو «زیر آخرین شکنجه گفت مادر من از ایران تا ویتنام مادر است و یک پرویز ندارد. همه برای مادر پرویزند ...»

مادر، شنوای هرگونه سخن و درد دلی بود. رفقا، دوستان و آشنایان، نزد او از مشکلات خصوصی گرفته تا مسائل اجتماعی می گفتند، از او راهنمایی می خواستند. مادر، به نرمی و مهربانی سخن می گفت، راه می نمود، امید می بخشید، بعد تار قدیمی اش را برمی داشت و آرام آرام برآن زخمه می زد و یا شعری می خواند: «یک جزوه سرود و شعر نوشتم، ۵۰۰ عدد چاپ کردند، هر جزوه ۴۵۰ تومان، دوستان بردند تمام شهرستانها ... خرج جزوه ۲۰ هزار تومان شد، ۶۰ هزار تومان دیگر که مانده بود تقسیم کردند برای بچه های بی سرپرست ...»

از فعالین حمایت از زندانیان سیاسی و مظهر و بنیان گذار این گونه فعالیت ها بود. با وجود جسم فرتوت در بیشتر مراسم حضور می یافت: «... در ماه دوم مرتبه دوره داریم که صحبت می کنیم ... هر جا که پله داشته باشد مرا بچه ها با صندلی می برند. در روز جهانی زن [۸ مارس] در چهار منزل میهمان بودیم و صحبت کردیم ...»

مادر سرگرم نوشتن سی سال از زندگی پرماجرایی خود بود: «... سرگذشت خود و از آزادی وطن نوشته ام، از خودم تنها ننوشته ام، از زمان ناصرالدین شاه قاجار، برای سرکوبی آزادی تا به حال نوشته ام ...»

درگذشت مادر را، این زن مبارز که تا دم مرگ از افشای ستم و خودکامگی و بشارت طلوع خورشید آزادی و عدالت لحظه بی از پای ننشست، به همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، به زنان مبارز میهن مان، که مادر نمونه برجسته و درخشانی از آنان بود، به تمامی مبارزان راه آزادی، و به دوستان و خانواده آن زنده یاد تسلیت می گویم. یادش گرامی و خاطره امید آفرینش جاودان باد.





### فیدل کاسترو و «جهانی شدن»

پرزیدنت فیدل کاسترو خطاب به اقتصاد دانانی که در کنفرانس جهانی شدن و مسایل توسعه که در روزهای ۹ و ۱۰ بهمن ماه، در هاوانا، برگزار گردید اعلام کرد که، کوبای سوسیالیستی توانسته است به دلیل جدا بودن آن از کاپیتالیسم جهانی «پرهز و مرج»، از چنگال «جلاد» صندوق بین المللی پول در امان بماند.

کاسترو اظهار داشت که، آزادی کوبا از کنترل صندوق بین المللی پول به این معناست که این کشور توانسته است ۴۰ سال دشمنی ایالات متحده را، و از جمله تحریم اقتصادی، و یک بحران اقتصادی شدید که متعاقب سقوط بلوک کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی در سال ۱۹۹۰ ایجاد شده بود، را تحمل کند. کاسترو خطاب به اقتصاد دانان جهان گفت که بر پایه مالکیت و کنترل اقتصاد توسط دولت و یک سیستم سوسیالیستی توزیع، کوبا توانست - در مقابل شوک های مالی سیستم اقتصادی سرمایه داری که به طور فزاینده ای جهانی می شود - خود را حفظ کند. به دلیل این که کوبا بازار سهام ندارد و تمامی بانک های آن در کنترل دولت اند فرار سرمایه، که در جریان بحران مالی جهان در دو سال قبل کشورهای درحال توسعه را به زانو در آورد، نتوانست به کوبا ضربه بزند. کاسترو گفت: «حتی یک دلار هم از کشور ما نتوانست فرار کند.» رهبر کوبای سوسیالیستی با حمله به صندوق بین المللی پول، آن را همچون «جلادی» توصیف کرد که «طناب گیوتین را طوری رها می کند که تیغه آن بر سر ملت های جهان سوم بیفتد.» او اضافه کرد: «ما به هیچ درجه بی به هیچ موسسه بین المللی بی متکی نیستیم» و متذکر شد که، کوبا به بانک جهانی هم وابسته نیست. او صندوق بین المللی پول را به عنوان «ستون فقرات» سیستم کنونی اقتصادی جهانی شده، که او آن را «غیر قابل دوام» شمرد، معرفی کرد. رهبر کوبای انقلابی گفت که، مدل اقتصاد کوبا کارا بوده است و ۴۰ سال انقلاب سوسیالیستی کشور را به طور فوق العاده ای قدرتمند کرده است. او گفت: «ما افتخار مشاهده آمدن و رفتن ده دولت ایالات متحده را که منتظر سقوط انقلاب کوبا بودند داشته ایم.» او در اشاره به یک سیستم جیره بندی پارانه ای شده از طرف دولت، گفت: «ما برای ۴۰ سال شروتمان را تا آن جا که ممکن بوده است عادلانه تقسیم کرده ایم.» اقتصاد کوبا اکنون رکورد را از سر گذرانده و تولید ناخالص ملی آن، در سال ۱۹۹۹، رشدی معادل ۶/۷ درصد داشته است. پرزیدنت کاسترو گفت که، کوبا نمی تواند در یک «گلدان شیشه ای» زندگی کند، و بنابراین «گشایش هائی» از قبیل سرمایه گذاری خارجی و رشد صنعت توریسم، در دهه قبل را

مجاز دانسته است. در عین حال کاسترو تأکید ورزید که این گشایش آگاهانه طراحی شده است و فقط تا آن جایی که به نفع کشور است به آن اجازه رشد داده می شود.

### تظاهرات بر ضد تغییرات ژنتیکی غذا

مخالفان به کارگیری تغییرات ژنتیکی در مواد غذایی، در اولین روزهای بهمن ماه، همزمان با شروع مذاکرات در یک کنفرانس جهانی، به منظور توافق در مورد حفاظت از تنوع بیولوژیکی، در مونترال، کانادا به تظاهرات پرداختند.

مابندگان ۱۳۴ کشور جهان، در این اجلاس که در چهارچوب سازمان ملل صورت گرفت، در پی توافقات مذاکرات پیرامون یک پروتکل ایمنی بیولوژیکی، کوشش می کردند. دور قبلی این مذاکرات، که هدف آن تضمین ایمنی کار، حمل و نقل و استفاده از ارگانیسم های تغییر یافته توسط ژنتیک، که بر روی محیط زیست اثرات ناگوار دارند، دور می زد، یک سال قبل از طرف ۶ کشور از جمله ایالات متحده، به بن بست کشیده شد. ایالات متحده در مورد تعدادی موضوعات با اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای جهان سوم در تقابل است. واشنگتن به ویژه در پی آن است که مفاد پروتکل بر قرار دادها و مصوبات سازمان تجارت جهانی اثری نداشته باشد. تظاهر کنندگان در مونترال خواستار اعمال کنترل های سختگیرانه تری بر کمپانی های بزرگ بودند که با استفاده از تغییرات ژنتیکی مواد غذایی تولید می کنند، و از تصویب یک موافقت نامه صریح، رادیکال و همه جانبه حمایت می کردند.

### ناتو، اروپا و تقسیم جهان

وزیر دفاع آلمان، رودلف شارپینگ در اظهاراتی که با برداشت های اکثر ناظران در رابطه با ماهیت ارتش جدیدالتاسیس اروپایی متفاوت است، گفت که، اتحادیه نظامی اروپا بخشی از «مفهوم استراتژیک» ناتو است. او در سخنانی در پرتغال، که برای ۶ ماه آینده رهبری اتحادیه اروپا را، به عهده خواهد داشت، گفت که تردید های ایالات متحده در مورد طرح ایجاد یک ارتش ۶۰۰۰۰ نفره اروپایی تا سال ۲۰۰۳، که در آذرماه توسط رهبران اتحادیه اروپا در هلستینکی مورد موافقت قرار گرفت، محدود به افکار عمومی است و نه دولت این کشور. وزیر دفاع آلمان گفت: «از زمان کندی، از سال های آغازین دهه ۶۰، ایالات متحده خواستار ایجاد یک ستون قوی تر اروپایی در درون ناتو بوده و اکنون ما به انجام آن مبادرت کرده ایم.»

«مفهوم استراتژیک» جدید ناتو، صریحاً این مدعا را که این پیمان تجاوز کار فقط یک سازمان دفاعی است به دور انداخته و ناتورا به اقدام در ورای مرزهای کشورهای عضو آن متعهد می کند. شارپینگ گفت که، اروپا باید صنایع نظامی قابل رقابت خود را، به منظور تأمین تسلیحات نیروهای نظامی مشترک پیشنهادی، ایجاد کند.

شارپینگ در رابطه با سیاست امنیت و دفاع اروپا و همچنین امنیت در منطقه مدیترانه، با همتای پرتغالی خود مذاکراتی را انجام داد. وزیر دفاع پرتغال، در اظهاراتی که نشانی از تقسیم کار در میان کشورهای امپریالیستی دارد، گفت که، کمک ویژه پرتغال به ارتش اروپایی در رابطه با کشتی سازی و نیز همسایگی آن با دریای مدیترانه خواهد بود. «البته ما می باید درباره جغرافیا فکر کنیم. مدیترانه منطقه بی است که باید به کشورهای جنوبی اروپا داده شود.»

### نظامیان و بنیادگرایی اسلامی

کشف جسد ده ها قربانی موج ترور حزب الله ترکیه، در نقاط مختلف کشور، و فاش شدن شواهدی دال بر رابطه مستقیم نظامیان و دولت ترکیه با آن، در توطئه یی بر ضد فعالان حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، بحرانی جدید در ترکیه ایجاد کرد. سلیمان دمیرل، رئیس جمهوری ترکیه، در حالیکه در روز ۴ دی ماه تأیید کرد که برخی نیروهای امنیتی این کشور ممکنست که ورای اختیارات خود عمل کرده باشند، این که دولت مخفیانه از چریک های حزب الله حمایت می کرده است را تکذیب کرد.

تاکنون جسد ۳۳ تن از قربانیان موج ترور تروریست های حزب الله کشف شده است. بر طبق اطلاعات منتشر شده، تروریست های اسلامی از شهر قونیه به عنوان مرکز بازجویی خود استفاده می کردند، و قربانیان خود را دست و پا بسته در وانت های باری به این شهر حمل می کردند. فعالیت های تروریستی حزب الله ترکیه در اواخر سال های ۸۰ میلادی به طرز جنایتکارانه، فعالان حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) را هدف قرار داد. ولی از اواسط دهه ۹۰ میلادی، و همزمان با برتری یافتن نیروهای نظامی بر ضد حزب کارگران کردستان، نشانه هایی از دستگیری فعالان حزب الله بروز کرد. یک عضو عالی رتبه پارلمان، از حزب اسلامی

«فضیلت» اظهار داشته است که، حزب الله برای مبارزه با «پ.ک.ک» ایجاد شده و مورد حمایت دولت قرار داشته است. سلیمان دمیرل، ضمن رد این اتهام، گفت: «ممکن است نیروهای دولتی یی وجود داشته باشند که بطور غیر قانونی عمل می کنند، ولی آنها مرتکب جنایت نمی شوند.» محافل نظامی و پر قدرت راست ترکیه در صددند که از بحران حاضر برای تحت فشار قرار دادن حزب «فضیلت» که بزرگ ترین حزب اپوزیسیون در کشور است استفاده کنند. در اواخر دی ماه، دادستان ورال ساواس، به قضات گفت که، حزب فضیلت «خطری واضح و موجود» برای قانون اساسی غیر دینی (سکولار) ترکیه است و می باید غیر قانونی شود. گرچه تا کنون هیچ مدرکی دال بر رابطه میان حزب «فضیلت» و تروریست های حزب الله پیدا نشده است، اما آقای ساواس مدعی است که «فضیلت» ادامه حزب اسلامی رفاه است که سه سال قبل بدلیل فعالیت های ناقض قانون اساسی غیر قانونی شد.

### اتحاد احزاب چپ در اسپانیا

حزب سوسیالیست اسپانیا و جبهه «چپ متحد»، که تحت رهبری حزب کمونیست اسپانیا است، پس از مذاکرات طولانی و پیچیده، پیرامون ایجاد اتحادی با هدف به شکست کشاندن نخست وزیر دست راستی کشور، خوزه ماریا انزار، در انتخاباتی که قرار است روز ۲۲ اسفند صورت گیرد، توافق کردند. هیات های مذاکره کننده دو طرف، در طی یک جلسه بسیار طولانی، نکات کلیدی یک برنامه سیاسی مشترک را که اساس دولتی تحت رهبری جوآخیم آلومینیا، رهبر حزب سوسیالیست، می باشد، تصویب کردند. بررغم توافق فوق، دو طرف نتوانستند در مورد ایجاد یک ائتلاف انتخاباتی به یک نظر مشترک برسند. «چپ متحد» از قبول درخواست حزب سوسیالیست مبنی بر خودداری از معرفی کاندیدا در برخی از ۱۴ ناحیه، سر باز زد. رهبر «جبهه متحد»، فرانسسکو فروتو، گفت: «ما اکنون اطمینان و افر داریم که یک بخش مهم از رای دهندگان چپ تشویق خواهند شد تا در انتخابات شرکت کنند و این امر معرف افزایش مهم آرا هر دو حزب خواهد بود.» جوآخیم آلومینیا اظهار داشته است، در صورتی که در انتخابات پارلمانی گذشته، در سال ۱۹۹۶، این دو جریان عمده چپ با هم متحد می شدند، می توانستند ۱۷۱ کرسی نمایندگی را تصاحب کنند و قدرت را به دست بگیرند. این در مقایسه با ۱۴۷ کرسی یی است که نصیب نیروهای راست گردید. دولت حزب دست راستی حاکم، که مدعی حمایت از «راه سوم» و سیاست هایی نظیر تونی بلیر، نخست وزیر انگلیس، است، برای تداوم دولت اقلیت خود متکی به حمایت احزاب ناسیونالیست منطقه ای است.



## سازمان جوانان توده ایران: «ما از ساختمان سوسیالیسم در ویتنام پشتیبانی می کنیم»

اوضاع کنونی جهان و استراتژی امپریالیسم و این که دیپلماسی قایق توپدار یک بار دیگر به سیاست جاری امپریالیسم بدل شده است، ادامه می دهد: «بر چنین زمینه ایست که مبارزه مردم ما با نیروهای ارتجاع و استبداد، با عقب ماندگی و استثمار وحشیانه و برای صلح و پیشرفت و عدالت در کار است... جوانان و دانشجویان ایرانی نقشی عمده در مبارزه برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی ایفا کرده اند. در ماه ژوئیه گذشته دانشجویان ایرانی در خیابان های تهران و دیگر شهرهای ایران بر ضد کوشش های رژیم دین سالار (تئوکراتیک) برای گسترش بیشتر سانسور و حکومت ترور تظاهرات کردند. رژیم برای در هم شکستن تظاهرات صلح آمیز دانشجویان به استفاده از گروه های فشار مسلح و نیروهای امنیتی دست یازید. بیش از ۱۵۰۰ دانشجو دستگیر شدند. متعاقباً برخی از دانشجویان به زندان های طولانی و حتی اعدام محکوم شدند.» پیام سازمان جوانان توده ایران، پس از تشریح سیاست حمایت خود از تشکیل جبهه متحد ضد دیکتاتوری، اعلام می دارد: «ما خواستار دموکراسی، عدالت و ترقی اجتماعی هستیم. ما طرفدار جدایی کامل ساختارهای دولتی و مذهبی از یکدیگریم. ما طرفدار یک جامعه مدنی ترقی خواه هستیم.»

هیات شرکت کننده ایرانی، در جریان یک ملاقات جنبی در کنگره، اوضاع ایران، وضع دانشجویان و جوانان ایران و مبارزه شکوهمند آنان را برای بخشی از نمایندگان کنگره فدراسیون جوانان ویتنام تشریح کرد. با انتشار بخشی از این سخنان در روزنامه مرکزی حزب کمونیست ویتنام، مسائل مطروحه از جانب هیات جوانان توده ای بازتاب وسیعی پیدا کرد. در دیدار هیات های بین المللی شرکت کننده در مجمع عمومی با دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، رهبر ویتنامی ضمن تشریح اوضاع کشور، گفت: «با تمام شدن جنگ امپریالیستی بر ضد ویتنام، بازسازی کشور شروع شد. اوضاع کشور در سال های دهه ۱۹۷۰ میلادی واقعاً بد بود و هر آن منتظر سقوط اقتصاد و کشاورزی در کشور بودیم. اوائل سال های ۸۰ تورم به رقم ۷۷۷ درصد رسید. بلافاصله با تصمیم های دقیق و حساب شده، تورم را مهار کردیم تا این که امروز حتی خطر ضد تورم DEFLATION ما را تهدید می کند. به نظر ما تورم و ضد تورم هر دو خطر ناک اند به همین دلیل سیاست های تعیین شده از طرف حزب کمونیست ویتنام در راه افزایش تولید ناخالص ملی در سال جاری به رقم ۵/۵ الی ۶ درصد بالغ می شود. از مسائل مبرم و خیلی جدی که پیش روی ما قرار دارد مبارزه با مصرف مواد مخدر، از بین بردن گرسنگی و بیکاری می باشد. امسال را ما سال مبارزه با مواد مخدر... بیکاری و تندرستی اجتماعی اعلام کرده ایم.» دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست

ادامه در صفحه ۲

### کمک های مالی رسیده

کارگری از جنوب ایران ۲۵/۰۰۰ تومان

هیات نمایندگی سازمان جوانان توده ایران، در دی ماه جاری، در جلسه سالیانه مجمع عمومی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، در هانوی، پایتخت ویتنام شرکت کرد. فعالیت چشمگیر جوانان توده ای در جلسات مجمع عمومی منجر به انتخاب سازمان جوانان توده ایران به ریاست بخش مالی فدراسیون شد. بر طبق تصویب فدراسیون، نماینده سازمان جوانان توده ایران می بایست با حضور مرتب در مقر فدراسیون به بررسی اوضاع مالی فدراسیون پرداخته و اعضای دائمی فدراسیون را مطلع سازد. هیات نمایندگی سازمان جوانان توده ایران، در مدت اقامت خود در ویتنام، با هیات های نمایندگی شرکت کننده در مجمع عمومی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات به طور جداگانه ملاقات داشت و آنان را در جریان اوضاع، رخدادها و تحولات اخیر ایران قرار داد. در یک جلسه اضطراری مجمع عمومی، تمام هیات های نمایندگی شرکت کننده، رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر زیر پا گذاشتن حقوق جوانان و دانشجویان ایرانی مورد سرزنش قرار دادند و به اتفاق آراء، فرا خوانی عاجل برای کارزار دفاع از دانشجویان زندانی را به مثابه سیاست رسمی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات اتخاذ کردند. هیات های حمایت کننده شامل لیگ جوانان کنگره ملی آفریقای جنوبی، سازمان جوانان دموکراتیک صحرای غربی، اتحادیه جوانان سودان، لیگ جوانان اسواپی، فدراسیون جوانان چین، اتحادیه جوانان انقلابی لائوس، اتحادیه جوانان کامبوج فدراسیون جوانان هند، فدراسیون دانشجویان هند، فدراسیون دموکراتیک جوانان هند، سازمان جوانان کنگره هند، لیگ دموکراتیک جوانان ژاپن، لیگ جوانان سوسیالیست ژاپن، اتحادیه جوانان بنگلادش، فدراسیون ملی جوانان دموکرات نپال، اتحادیه ملی دانشجویان آزاد نپال، سلیمان جوانان توده ایران، اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین ویتنام، اتحادیه جوانان کمونیست فدراسیون روسیه، جوانان آزاد آلمان، سازمان جوانان کمونیست یونان، سازمان جوانان کمونیست پرتغال، سازمان اتحادیه دموکراتیک جوانان قبرس، لیگ جوانان انقلابی ۸ اکتبر برزیل، اتحادیه جوانان خالد بکتاش سوریه، اتحادیه ملی جوانان الجزایر، حزب استقلال جوانان مراکش، جوانان سوسیالیست مراکش، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین، لیگ جوانان کمونیست اسرائیل و فدراسیون جوانان ویتنام بودند. در حاشیه شرکت در مجمع عمومی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، هیات نمایندگی سازمان جوانان توده ایران در چهارمین کنگره فدراسیون جوانان ویتنام شرکت کرد و پیام توده ای های جوان را به کنگره تسلیم کرد. در بخشی از پیام، و پس از اظهار خوشحالی از حضور در کنگره رفقای جوان ویتنامی، نماینده سازمان جوانان توده ایران اظهار می دارد: «مبارزه طولانی، قهرمانانه و پیروزمند مردم ویتنام با امپریالیسم جهانی برای جنبش ها و سازمان های جوانان دموکراتیک و انقلابی ایران همیشه یک منبع الهام بوده و خواهد بود... پایداری مردم ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا، به عنوان منبع الهامی برای همه آنهاست که به مبارزه برای آزادی ملی و استقلال بر می خیزند، بر جا خواهد ماند. ما با علاقه فراوان تلاش مصمم شما را در دفاع از دستاوردهای بزرگ مردم ویتنام در جهت ایجاد یک کشور مرفه، دموکراتیک مستقل و سوسیالیستی دنبال می کنیم. ما شرایط دشواری را که این مبارزه در آن صورت می گیرد درک می کنیم. عواقب سقوط سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپایی شرقی، تلاش امپریالیسم برای تحکیم «نظم نوین جهانی» و بسط «جهانی شدن» سرمایه داری موانع عمده ای بر سر راه پیشبرد یک برنامه با جهت گیری مردمی ایجاد می کنند. این حقیقت که در طول ۲۵ سال گذشته، یعنی از زمان پیروزی تان، ویتنام سوسیالیستی قادر بوده است که مسیر برنامه ریزی شده خود برای پیشبرد ساختمان یک جامعه مرفه، آزاد و سوسیالیستی را ادامه دهد، شاهدی است بر این که مردم شما از انرژی و استعداد وافر برای هموار کردن راه به سوی صلح و پیشرفت برخوردارند. ما اطمینان داریم که مردم ویتنام قادر خواهند بود که طریق شکوهمند ساختمان سوسیالیسم را ادامه دهند.» نماینده سازمان جوانان توده ایران، پس از توضیح

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:576**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

8 February 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.	نام
790020580	شماره حساب
10050000	کد بانک
Berliner Sparkasse	بانک





بررسی رویدادهای ایران

بیانیه ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی

ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی طی بیانیه ای که روزنامه آزادگان آن را در شماره پنجشنبه ۲۱ بهمن ماه به چاپ رسانده است، ضمن اشاره به حذف نیروهای وابسته به این ائتلاف از طرف شورای نگهبان، اعلام می کند با این وجود در انتخابات شرکت خواهند کرد. این ائتلاف ضمن اعلام فهرست انتخاباتی مورد حمایت در این بیانیه آورده است: «۲۹ بهمن روز مشارکت برای شکستن انحصار، توزیع قدرت و تقویت جمهوریت است. بر همه ایرانیان است که در روز ۲۹ بهمن با عزمی ملی تمامیت خواهان و انحصارطلبان را گامی دیگر عقب رانده و حقوق حقه خویش را از آنان بازستانند.» این بیانیه با اشاره به اینکه راه اصلاح و نجات مردم و میهن و انقلاب طولانی است، ادامه می دهد: «انقلاب بزرگ اسلامی ایران به تدریج با غلبه و حاکمیت یک طیف خاص به انحراف رفت و استحاله شد ولی تغییرات بنیادی فکری و ساختاری جامعه ایران به آرامی پیامدهای سیاسی خود را ظاهر کرد و پس از سال ها انسداد و سرکوب سیاسی مخالفان و منتقدان، روندی اصلاحی در بیرون و درون قدرت در ایران شکل گرفت.»

اعتراض جمعی از بازداشت شدگان نامه ۹۰ امضایی به رفسنجانی

در پی ادعاهای دروغین هاشمی رفسنجانی پیرامون «تمیزی وزارت اطلاعات» در دوران ریاست جمهوری او، شماری از بازداشت شدگان نامه ۹۰ امضایی، که در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی دستگیر و روانه شکنجه گاه ها شده بودند با انتشار بیانیه یی، ضمن افشای ادعاهای دروغین «سردار سازندگی»، رژیم «ولایت فقیه»، از جمله اعلام کردند: «ملت شریف ایران! نیک به خاطر دارید که در اوایل اردیبهشت سال ۱۳۶۹، نامه ای به امضای ۹۰ نفر از شخصیت های ملی-اسلامی خطاب به رئیس جمهور وقت آقای هاشمی رفسنجانی که مسئولیت اجرایی و اداره سلطنت را به عهده داشت، نوشته شد و ضمن تحلیل شرایط سیاسی-اجتماعی، موارد زیر را از ایشان درخواست نمود:

۱. جلوگیری از خلاف ها و خرابی ها و انعقاد قرار دادهای اسارت آور با بیگانگان
۲. بازگرداندن حقوق قانونی مردم مصرح در فصول سوم و پنجم قانون اساسی و جلوگیری از سیاست های سرکوب ... متعاقب این جریان ۲۳ نفر از امضاء کنندگان نامه که به زعم دست اندرکاران از عوامل مؤثر در انتشار نامه بودند دستگیر شده و عموماً تحت سخت شکنجه های قرون وسطایی قرار گرفتند تا حاضر به مصاحبه تلویزیونی و بیان آنچه بر آنها دیکته می

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«... تحولات دوساله اخیر، خصوصاً شرکت فعال و همه جانبه کارگران در جریان انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، که در جریان آن اکثریت عظیم مردم در یک رفتارندوم تاریخی خواهان آزادی، استقرار جامعه مدنی و عدالت اجتماعی شدند، در کنار ده ها اعتصاب کاری، از جمله و خصوصاً اعتصاب پیروزمند کارگران و کارمندان صنعت نفت، و کارگران صنایع ملی، بار دیگر درستی این نظریه را مؤکد می سازد که، طبقه کارگر ایران همچنان استوارترین نیروی ترقی خواه و پیگیرترین و مبارزترین نیروی جامعه در مبارزه برای آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی است، و مبارزه در راه سازمان دهی کارگران، و ارتقاء مبارزه صنفی آنان به سطح مبارزه سیاسی یکی از وظایف عمده نیروهای مترقی، و خصوصاً حزب ما، در شرایط حاضر، است...»

از برنامه حزب توده ایران  
مصوب چهارمین کنگره حزب



ضمیمه ۵۷۶، دوره هشتم  
سال شانزدهم، ۲۶ بهمن ماه ۱۳۷۸

درد آتشین به کارگران رزمنده و آزادی خواه ایران!

«بدون انحراف به راست و یا چپ و دنباله روی کورکورانه»: «حضور فعال و یکپارچه

در انتخابات برای شکست ارتجاع و حامیان آنان»

بیانیه تحلیلی کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران به

مناسبت ششمین انتخابات مجلس

که اکنون سیاست جهانی شدن سرمایه را در پیش گرفته اند، توده های مردم را از واقعیت اجتماعی دور سازند، و بر روی قلب طپنده انقلاب ها و طوفان های سهمگین، و موتور تحولات اجتماعی سرپوش گذارند، و بدین وسیله رسالت تاریخی طبقه کارگر را کتمان کنند...

کارگران مبارز!

تسخیر و غصب انقلاب ۲۲ بهمن به دست حکام ارتجاعی و جناح راست حاکمیت و اعمال سیاست های به اصطلاح سازندگی که پیچی جز فقر-حرمان-محرومیت اجتماعی-اقتصادی و گرانی سرسام آور و ازدیاد فقر در لایه های اجتماعی به بار نیاورد، با خیزش آگاهانه توده ها به ویژه کارگران و زحمتکشان در دوم خرداد ۷۶ با شکست سنگین مواجه شد. دوم خرداد ماه استبداد ستیزی مردم و مقاومت در مقابل سیاست های ورشکسته اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی استبداد حاکم بود. حماسه دوم خرداد نشان داد تا زمانی که کارگران و زحمتکشان دوش به دوش مردم در صحنه سیاسی حضوری فعال داشته اند، سنگر های ارتجاع و سرمایه داری مورد آماج قرار گرفته و به دست زحمتکشان فتح گردیده است...

کارگران و زحمتکشان مبارز!

بدون شک نقش و عملکرد دقیق و اصولی ما در فضای به شدت سیاسی و ملتهب از رقابت ها و چالش های درون حکومتی در آستانه انتخابات مجلس ششم بسیار مهم

کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران به مناسبت ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بیانیه یی تحلیلی انتشار داده اند که نمونه درخشانی از رزمندگی طبقه کارگر آگاه ایران در عرصه پیکار بر ضد رژیم استبدادی «ولایت فقیه» است. نظر به اهمیت این بیانیه ما بخش هایی از آن را در این شماره ضمیمه «نامه مردم» درج می کنیم. متن کامل این بیانیه در شماره آینده «نامه مردم» به چاپ خواهد رسید.

«کارگران-زحمتکشان و هموطنان شریف و مبارز

اکنون در آستانه انتخابات مجلس ششم، رویدادهای مهم و سرنوشت سازی در جامعه در حال وقوع و شکل گیری است. این رویدادها که خود حاصل روند مبارزه سترگ خلق ما در انقلاب ۲۲ بهمن و در امتداد آن خیزش آگاهانه و حماسه آفرین در دوم خرداد ۷۶ بود، در پی خود تحولاتی را در سطح جامعه در صفوف اقشار و طبقات اجتماعی به وجود آورده است که بدون درنگ و توقف ناپذیر به پیش می رود. باید دید قلب طپنده تحولات ... به عبارت دیگر موتور قدرتمند تحولات و تغییرات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در نزد کدام نیروها و طبقات اجتماعی است؟ این سوالی است که بسیاری، به ویژه حامیان سرمایه داری لجام گسیخته و سرمایه داران نوکیسه امروزی از پاسخ مستقیم به آن طفره می روند ... تا شاید بتوانند همانند هم سالکان و همفکران جهانی خود

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



ادامهٔ بیانیه تحلیلی کارگران...

و اساسی است. وظیفه و رسالت ما کارگران در این مقطع چیست؟ ...

ما کارگران همواره پیشتاز جنبش ملی - توده ای و جنبش صنفی بوده ایم و اکنون قادریم این وظیفه انقلابی را پا به پای هم به عهده بگیریم و در هر دو صحنه حضور فعال خویش را تا به دست آوردن اهداف و خواست های صنفی اجتماعی در کنار اهداف ملی ادامه و استمرار بخشیم. در وهله نخست خواست مبرم جنبش طبقه کارگر، مبارزه در جهت حقوق و مزایای صنفی از قبیل احیاء و تشکیل تشکل های صنفی مستقل مانند سندیکاها و اتحادیه ها مبارزه با سیاست های ضد کارگری نظام جمهوری اسلامی مانند به تعطیل کشاندن کارخانه ها و واگذاری بخش های کلیدی اقتصاد به بخش خصوصی - مبارزه برای بالا بردن دستمزدها متناسب با رشد بی رویه نرخ تورم - مبارزه یکپارچه و متمرکز با بیکاری آشکار و پنهان و حق اعتصاب و ... می باشد که اصولاً در شرایط کنونی می تواند در دستور مطالبات و خواسته های طبقه کارگر قرار گیرد ... مسلم است که سیاست صنفی - مطالباتی، باید در انطباق با اتخاذ سیاست درست و اصولی در عرصه پیکار اجتماعی - سیاسی باشد. رأی کارگران به نمایندگان واجد صلاحیت در صفوف اصلاح طلبان دوم خرداد از یک سو اهداف جنبش ملی که اکنون خواهان آزادی های دموکراتیک است را تقویت خواهد کرد و از سوی دیگر خواست های دور و نزدیک صنفی - مطالباتی طبقه کارگر را در چشم انداز خویش قرار خواهد داد ... وظیفه ما دفاع از نیروها و افرادی است که خواستار حذف ارتجاع و استبداد و حاکمیت مردم سالار است. هرگونه انحراف به راست یعنی حمایت بی چون و چرا و یا دنباله روی کورکورانه و بدون برنامه مطالباتی از انتخابات، طبقه کارگر را به زائده بی بی اراده در دست حاکمان جناح های سیاسی در خواهد آورد. از طرف دیگر هرگونه چپ روی کودکانه به معنی نفی و عدم مشارکت در انتخابات و در پیش گرفتن سیاست های صنفی و سیاسی، باعث انزوی بیشتر این طبقه و خلا، آن در صحنه مبارزه به سود جناح راست حاکمیت خواهد بود ...

کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران دست اتحاد به سوی تمامی کارگران و زحمتکشان کشورمان دراز می کنند و خواستار آندند که با سازماندهی و احیاء تشکل های مستقل صنفی مانند سندیکاها و اتحادیه ها اتحاد فراگیر و خلل ناپذیر خویش را به وجود آورند. صفوف خود را مستحکم سازیم و در اتحاد فراگیر در میدان مبارزه سیاسی و در انتخابات مجلس ششم قدرت خویش را به نمایش بگذاریم.

پیش به سوی احیاء و تشکیل سندیکاها و مستقل کاری؛  
پیش به سوی اتحاد فراگیر کارگران و زحمتکشان در عرصه های کار و پیکار؛  
برقرار باد اتحاد زحمتکشان و روشنفکران مترقی و مبارز!

کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران،  
۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۸

ادامهٔ رویدادهای ایران

شد، یعنی اعتراف به ارتباط با بیگانگان و جاسوسی در دوران جنگ کنند. به علاوه عده ای نیز در شهرستانها دستگیر و در همان محل زندانی و محکوم شدند ...

متأسفانه آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مورخ ۷۸/۹/۲۰ خود با جمع کثیری از خبرنگاران داخلی و خارجی که از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش گردید و در روزنامه ها نیز پوشش داده شد ... [در بارهٔ نامه ۹۰ نفر و بازداشت شماری از آنها] با زیرکی و تجامل آگاهانه گفتند: «بازداشت ها اگر مربوط به نامه می شده کار نادرستی بوده است و طبیعتاً ما هم باید رسیدگی می کردیم. اما اگر مربوط به نامه مذکور نبود باید سیر طبیعی خودش را طی می کرد ... هر چند قریب ده سال از ماجرای نامه معروف ۹۰ امضایی می گذرد با این حال فراموشی آقای رفسنجانی نسبت به امری که بر حسب موقعیتش باید خود از تصمیم گیرندگان اصلی آن بوده باشند جای شگفتی دارد. به علاوه ابراز آشکار چنین سخنان خلاف واقع در محضر عموم از یک روحانی که از شخصیت های اصلی انقلاب و حاکمیت بوده اند مایه بسی تأسف است. ایشان از خاطر برده اند که در همان تاریخ در مصاحبه با خبرنگار روزنامه فرانسوی «لوموند» بدون نگرانی از عواقب اخروی تهمت و بهتان و قبل از محاکمه و محکومیت دستگیر شدگان تصریح کردند: «لیبرال هایی که اخیراً دستگیر شده اند کسانی بوده اند که ماهیت جاسوسی پیدا کرده اند و از آمریکا دستوری می گرفته اند ...» در میان امضاء کنندگان این بیانیه از جمله اسامی علی اردلان، عبدالملی بازرگان، محمد حسین بنی اسدی، محمد توسلی، عزت الله سبحانی، هاشم صباغیان، حسین شاه حسینی و شمار دیگری از شخصیت های ملی - مذهبی به چشم می خورد.

ترفندهای انحصار طلبان

اکبر گنجی طی مقاله ای در روزنامه فتح شنبه ۲۳ بهمن به بررسی ترفندهای نیروهای ارتجاعی در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته است. او با اشاره به جوانی جمعیت و رشد طبقه متوسط معتقد است رای جناح راست به همین دلیل رو به کاهش است و به همین دلیل دست به ترفندهایی در این مورد زده است. یکی از این ترفندها کاهش حداقل آرای مورد نیاز ورود به مجلس از ۳۳ درصد به ۲۵ درصد ذکر شده است. ترفند دیگر شکستن وحدت جبهه دوم خرداد می باشد. زندانی کردن عبدالله نوری، محکومیت موسوی خوئینی ها و وارد کردن رفسنجانی به عنوان یک چهره قدرت مند از جمله ترفندها برای ایجاد انشقاق دانسته شده است. از دیگر اقدامات حذف چهره های شاخص جبهه دوم خرداد می باشد. زیادی تعداد داوطلبان نمایندگی در جبهه دوم خرداد در مقابل تعداد مورد نیاز کاندیداهای جناح راست که این امر شکنندگی آراء یکدیگر را به نفع جناح راست در پی دارد از دیگر مشکلات نیروهای موسوم به جبهه دوم خرداد می باشد. ترفند جدید دیگر ایجاد آشوب و اغتشاش فراگیر در پناه شعار توهین به اسلام و مقدسات می باشد. گنجی در نتیجه گیری خود می نویسد: «بزرگ ترین امید

انحصار طلبان به آن است که تمامی ۳۸ میلیون واجد شرایط در انتخابات شرکت نکنند. اگر به دنبال خلق دوم خرداد دیگری هستیم، باید به جای ۳۰ میلیون شرکت کننده ۷۶، سی و هشت میلیون شهروند ایرانی در پای صندوق های رای حاضر شوند و به آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، توسعه، تنوع و تکثر و عدالت اجتماعی رای دهند. جناح انصار به دنبال نابودی جنبش جامعه مدنی ایران و آرمان های آن، خصوصاً آرمان توسعه سیاسی است. جناح انحصار معتقد است که سرنوشت مردم را بهتر از خود مردم تشخیص می دهد.»

جنایت برای امنیت دکشور

علی فلاحیان، وزیر سابق اطلاعات رژیم ولایت فقیه که چهره جنایتکارش بر هیچ کس پوشیده نمانده است در یک جلسه دانشجویی در اصفهان، در پاسخ به پرسش حاضران در باره قتل های انجام گرفته گفت: «قتل هایی که بعد از من رخ داده، من مسئولش نیستم. اگر واقعا فکر می کنند که من مقصر هستم، من حاضر هستم. ولی این حرف غیر منطقی است که من وزیر باشم و یکی معاوان بنده، یک سال و نیم بعد، فرض کنیم این آقا تخلف کرده، من باید جواب بدهم. من علم غیب داشتم که ایشان بعد از من تخلف می کند.» فلاحیان ضمن اینکه جنایات دست پرورده های خود را تخلف اعلام می کند، سعی دارد دوران وزارت خود را که در داخل و در خارج کشور با جنایات غیر قابل انکاری همراه بوده است انکار کند و در مورد ادعاهای اکبر گنجی در این مورد می گوید: «کل حرف هایی که ایشان می زند بافته هایی بیش نیست. از ایشان بخواهید اگر مدرکی دارد، ارائه دهد. اما او گفته است من تحلیل می کنم، مدرکی ندارم حالا شما چرا این را در نظر نمی گیرید که بنده ۱۸ سال شبانه روز به قیمت اینکه فشارهای عجیبی به خودم و خانواده ام آمده است. برای امنیت کشور فعالیت کرده ام و همیشه مورد هدف بوده ام. وی در جواب این سوال که آیا خودکشی سعید اسلامی از پیش تعیین شده بود، گفت: «این بحث مطرح شده است که دارویی که ایشان خورده است موجب خودکشی نمی شود حال بحثی که وجود دارد این است که آیا ممکن است به دلیل دیگری کشته شده باشد؟» وی در مورد قتل سعید سیرجانی ادعا نمود که قتل نبوده است «سکته بوده است و آن آقا گفته که قبول داریم سکته کرده، ولی دارویی داده اید که او سکته کرده است. ما گفتیم که اگر دارویی هست که شخص بخورد و سکته بکند، دیگر نیازی نبود یکی را با چاقو بکشند و یکی را خفه بکنند. یک هم چنین دارویی را به همه می زدند تا هیچ اثری نماند.» (نقل از کیهان پنجشنبه ۲۱ بهمن ماه)

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 576  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

15 February 2000

شمارهٔ فاکس و  
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse